

غدير يان و زيارت اربعين حسيني



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیریان و زیارت اربعین حسینی

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله
و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
غديريان و زیارت اربعین حسینی	۷
مشخصات کتاب	۷
غديريان و زیارت اربعین حسینی	۷
تنها برای شهادت امام حسین علیه السلام اربعین گرفته می شود	۸
زیارت امام حسین در روز اربعین	۱۰
متن	۱۰
ترجمه	۱۱
اسناد	۱۴
اهمیت اربعین حسینی	۱۴
وروداهل بیت امام حسین (ع) به کربلاو یادآوری مصائب	۱۴
دفن سرهای مقدس	۱۶
زیارت جابر به همراه عطیه درروز اربعین	۱۷
شخصیت علمی عطیه	۱۷
جابر به همراه عطیه	۱۸
نحوه زیارت اربعین جابر	۲۰
زیاره اربعین نشانه مومن	۲۲
زیارت اربعین در اسناد تاریخی	۲۸
عنايات امام حسین (ع) به زوار در روز اربعین	۳۳
شفا ی چشم	۳۳
تشرف خدمت امام زمان (عج)	۳۵
نجات فرزند غرق شده در فرات	۳۶
اهمیت عدد چهل در روایات	۳۶

- چهل بار شانه زدن محاسن ۳۶
- پاداش چهل هزار شهید برای اذان گو ۳۷
- دعا برای چهل مومن ۳۷
- چهل حسنه برای ذکر باتسبیح تربت ۳۸
- چهل روز گریه آسمان و زمین بر امام حسین (ع) ۳۸
- پیامبر (ص) چهل بامداد به در خانه علی (ع) آمد ۴۰
- کسی که چهل حدیث از پیامبر (ص) حفظ کند ۴۰
- چهل حدیث از امام حسین علیه السلام ۴۱
- درباره مرکز ۵۲

غدیریان و زیارت اربعین حسینی

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور: غدیریان و زیارت اربعین حسینی / محمد رضا شریفی

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: امام حسین ع - اربعین - حضرت زهرا س

ص: ۱

غدیریان و زیارت اربعین حسینی

باشنیدن اربعین، زیارت حضرت سید الشهدا علیه السلام در روز اربعین برای همه ی غدیریان تداعی شده و هر ساله مشتاقان زیارت آن حضرت اضافه شده و این آرزوی هر شیعه ی امیرالمومنین علی علیه السلام است که بتواند در این روز جزء زائران ایشان بوده و ایمان خود را نسبت به ولایت علی علیه السلام به ظهور برساند. اربعین و زیارت در این روزها شوق به زیارت مولائی است غریب و مظلوم که به خاطر فرزند علی علیه السلام بودن، آماج تیرها و شمشیرهای دشمنان غدیر قرار گرفت و بدنش زیر سم ستوران، پایمال گردید. غدیریان آنچه از معارف اهل بیت علیهم السلام در دست دارند و منتقم هستند، همگی را مدیون شهیده دفاع غدیر حضرت زهرا سلام الله علیها و فرزندش حسین بن علی علیه السلام می باشند. شهیده ای که به دفاع از صاحب غدیر، علی علیه السلام، شش ماهه اش را فدا کرد و پهلویش شکست و استخوان بازویش شکسته شد و شهیدی که شش ماهه اش سردست باتیر سه شعبه گلویش دریده شد و استخوانهای بدنش به کینه ی پسر علی بودن خرد شد. غدیریان برای ادای دین خود به مدافع غدیر و شهید مظلوم به خاطر ستم های دشمنان علی علیه السلام، از هر کجای عالم در این روز خود را به کربلا می رسانند و با اشک چشم به دومین وارث غدیر سلام می دهند.

آری! اربعین یادآور مصائب سختی است که به فرزند غدیر، حسین بن علی علیه السلام وارد شد و مگر فرزند علی علیه السلام بودن و از غدیر علی علیه السلام ارث الهی بردن جرم بوده که امت پیامبر آخر الزمان باید بخاطر این نسب شریف پسر پیغمبر شان را به شهادت رسانده و سر از بدن مطهرش جدا نمایند؟!

امام حسین (علیه السلام) در زمانیکه بر روی معارف غدیر پرده ها کشیده شده بود ندای "هیئات من الذله" را سر داده و عزت و سربلندی معارف غدیر علی علیه السلام را به گوش جهانیان رسانید و این ندا الآن به گوش همه ی غدیریان رسیده است. و شوق زیارت آن حضرت روز به روز در دل هایشان اضافه گشته و در این روز برای گرامیداشت شهادت آن حضرت با پای پیاده عازم زیارت آن بزرگوار شده و رنج و سختی سفر را با پای پیاده عاشقانه تحمل کرده و برای اظهار ایمان خود و نشان دادن پای بندیشان به معارف غدیر با اشک چشم و دلی سوزان بر حسین بن علی علیه السلام سلام میدهند.

تنها برای شهادت امام حسین علیه السلام اربعین گرفته می شود

تنها برای شهادت امام حسین علیه السلام است که "اربعین" گرفته می شود، این تعظیم شعائر الهی است زیرا در روز اربعین وقایعی خاص اتفاق افتاده است که در هیچ اربعینی بعد از شهادت دیگر اهل بیت علیهم السلام اتفاق نیفتاده است.

در این روز با ورود کاروان اسرائی که از کربلا در حالی وداع نموده بودند که بدنهای عزیزانشان به خاک سپرده نشده بود، تمام مصائب یک جا برای این ها تداعی گشته و بزرگ ترین مجلس عزاداری برگزار گردید:

روضه خوان هایی از جمله زین العابدین علیه السلام، حضرت زینب سلام الله علیها و جابر به همراه عطیه، آن هایی که هم روضه خوان بودند هم گریه کن.

دفن سرمقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام و دیگر سرهای مقدس شهدا، سرهایی که چهل روز از بدن هایشان جدا شده بود و بر روی نیزه ها منزل به منزل برای نمایش به دشمنان خدا برده می شد.

وقایعی جانسوز در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد که هرساله شیعیان و محبین آن حضرت را وا میدارد با پای پیاده با حرکتی پرشور و نمادین به زیارت مولای خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام بروند و نشانه ی ایمان خودشان را به عنوان یک مؤمن به ظهور برسانند.

تعظیم اربعین و زیارت آن حضرت در این روز پیروی از سنت زین العابدین علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خاصه حضرت زینب سلام الله علیها می باشد و هم چنین پیروی از سنت اصحاب خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و جناب جابر می باشد. او که در این روز باحالتی خاص و سوزش دل به زیارت آن حضرت آمد و در کنار قبر مطهر آن حضرت روضه خواند و گریست.

بنابراین زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین چون سنت اهل بیت علیهم السلام و سیره صحابی خاص اهل بیت علیهم السلام است و یادآوری همه ی مصائب روز عاشورا برای اهل بیت علیهم السلام درسرزمین کربلاست از شعائر حسینی است و تعظیم شعائر حسینی، تعظیم شعائر الهی است.

وما در مورد دیگر اهل بیت علیهم السلام درمورد اربعین شهادت شان چنین سیره و سنتی از اهل بیت علیهم السلام و با چنین وقایع جانسوز نداریم. بنابراین شیعیان نیز به پیروی از سیره و سنت عزاداری اهل بیت علیهم السلام در ورود حزن آور به کربلا و زیارت امام حسین علیه السلام در این روز و توصیه آن ها به این که این زیارت نشانه ی مؤمن است بحمدالله هرساله با پای پیاده از اطراف کربلا چندین روز به اربعین مانده حرکت کرده و با تحمل مشکلات و سختی با اشتیاق در روز اربعین خود را به کربلا می رسانند.

زیارت امام حسین در روز اربعین

متن

أَخْبَرَنَا جَمَاعُهُ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعَكَبَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْعَدَةَ وَالحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ وَتَقُولُ:

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتْهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبُوتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتِنِبَتْهُ بِطِيبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلَتْهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ الدَّادَةِ وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلَتْهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعِزَّهُ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْعَ النُّصِيحِ وَبَيِّدْ لَهُ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْفِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَزَّتُهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَذْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسِيخَطَكَ وَأَسِيخَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَهُ الْأَوْزَارَ الْمُسْتَوْجِبِينَ لِلنَّارِ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَهِفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنُوهُمْ لَعْنًا وَبِلَاءً وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمِتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكُ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبُ مَنْ قَتَلَكَ

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ سَجَعَتْ بِذَلِكَ فَرْصِيَّتْ بِهِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عِدُّوْ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَضْيَالِ الشَّامِخَةِ وَ الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تَجْشَكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبِسَكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبُرِّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ

أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَامِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ

وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ تَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَ تَدْعُو بِمَا أُحِبَّتِ وَ تَنْصَرِفُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

ترجمه

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش سلام بر حسین مظلوم و شهید سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاریها اسیر بود و کشته اشک روان گردید؛ خدایا من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که کامیاب شد.

به بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند.

و میراث های پیامبران را به او دادی و از اوصیایی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه ای (برای کسی) نگذارد و بی دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد؛ تا برهاند بندگان را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریشان داد و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را در مقابل بهایی اندک و بی مقدار و بزرگی کردند.

و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل دو دستی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه بدوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد.

خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی و بال دار و عذابشان کن به عذابی دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء گواهی دهم که براستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اویی سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گمگشته و ستمدیده و شهید در گذشتی.

و نیز گواهی دهم که خدا براستی وفا کند بدان وعده ای که به تو داده و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو به خوبی وفا کردی به عهد خدا و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید.

خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد. پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحم هایی پاکیزه که آلوده ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباس های چرکینش.

و گواهی دهم که براستی تو از پایه های دین و ستون های محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوی و نشانه های هدایت و رشته های محکم (حق و فضیلت) و حجت هایی بر مردم دنیا هستند. و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد.

پس با شمایم نه با دشمنان شما، دروذهای خدا بر شما و بر روان های شما و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان آمین ای پروردگار جهانیان. پس دو رکعت نماز می کنی و دعا می کنی به آنچه می خواهی و برمی گردی.

ص: ۷

اسناد

۱- المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص: ۵۱۴

۲- المزار (للشهيد الاول)، ص: ۱۸۵

۳- تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۶، ص: ۱۱۳

۴- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص: ۷۸۸

۵- البلد الأمين و الدرع الحصين، النص، ص: ۲۷۴

۶- إقبال الأعمال (ط - القديمه)، ج ۲، ص: ۵۹۰

۷- المصباح للكفعمی (جنه الأمان الواقیه)، ص: ۴۸۹

۸- زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: ۲۴۸

۹- بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۸، ص: ۳۳۱

۱۰- الوافی، ج ۱۴، ص: ۱۵۸۱

اهمیت اربعین حسینی

ورود اهل بیت امام حسین (ع) به کربلا و یادآوری مصائب

ثُمَّ قَالَ السَّيِّدُ وَلَمَّا رَجَعَتْ نِسَاءُ الْحُسَيْنِ عَ وَ عِيَالُهُ مِنَ الشَّامِ وَ بَلَغُوا إِلَى الْعِرَاقِ قَالُوا لِلدَّلِيلِ مُرُّ بِنَا عَلَى طَرِيقِ كَرْبَلَاءَ فَوَصَلُوا إِلَى مَوْضِعِ الْمَضِيرِ فَوَجَدُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ وَ جَمَاعَةً مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَ رَجُلًا مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ وَرَدُوا لِرِيزَارِهِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ فَوَافُوا فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ وَ تَلَاقُوا بِالْبُكَاءِ وَ الْحُزَنِ وَ اللَّطَمِ وَ أَقَامُوا الْمَآتِمَ الْمُفْرِحَةَ لِلْكَبَادِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِمْ نِسَاءُ ذَلِكَ السَّوَادِ وَ أَقَامُوا عَلَى ذَلِكَ أَيَّامًا فَرَوَى عَنْ أَبِي حُبَابٍ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْجَصَّاصُونَ قَالُوا كُنَّا نَخْرُجُ

إِلَى الْجَبَانَةِ فِي اللَّيْلِ - عِنْدَ مَقْتَلِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَنَسْمَعُ الْجَنَّ يَتَوَخَّوْنَ عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ:

مَسَحَ الرَّسُولُ جَبِينَهُ فَلَهُ بَرِيقٌ فِي الْخُدُودِ أَبَوَاهُ مِنْ عَلِيٍّ قُرَيْشٍ وَ جَدُّهُ خَيْرُ الْجُدُودِ

هنگامی که زنان و فرزندان حسین از شام برگشتند و بعراق رسیدند به راهنما گفتند: ما را از طریق کربلا ببر. وقتی به موضع قتلگاه رسیدند، جابر بن عبد الله انصاری را با گروهی از بنی هاشم و مردی از آل رسول الله یافتند که برای زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده بودند. همه در یک وقت وارد شدند و با یک دیگر شروع بگریه و حزن کردند و لطمه بصورت زدند. ماتمی بپا کردند که فوق العاده دلخراش و جگر سوز بود. زنان آن دیار نیز به ایشان پیوستند و عموماً چند روزی عزاداری کردند.

ابو حباب کلبی میگوید: گچکارها گفتند: ما پس از قتل امام حسین علیه السلام شبانه بر سر قبر امام حسین (که در آن موقع بیابان بود) می رفتیم، می شنیدیم که جنّ برای آن حضرت نوحه سرائی می کردند و می گفتند:

مَسَحَ الرَّسُولُ جَبِيْنَهُ فَلَهُ بَرِيْقٌ فِي الْخُدُوْدِ اَبْوَاهُ مِنْ عَلِيَا قُرَيْشٍ وَ جَدُّهُ خَيْرُ الْجُدُوْدِ

یعنی: «پیغمبر خدا دست مهربانی به پیشانی حسین میکشید و گونه های صورت حسین درخشانده بود. پدر و مادر حسین از بزرگواران قبیله قریش بودند و جد بزرگوارش بهترین جد بود.»

منبع:

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۵، ص: ۱۴۷

زندگانی حضرت امام حسین (ع) (ج ۴۵)، ص: ۱۹۴

دفن سرهای مقدس

الف) شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) می نویسد: «امام سجاد علیه السلام با اهل بیت علیهم السلام به همراه سرهای مبارک شهیدان (از دمشق) خارج شدند و سرهای مقدس را به کربلا باز گردانند و (به خاک سپردند)». «۱»

ب) قتال نیشابوری (متوفای ۵۰۸ ق) نیز می نویسد: «خَرَجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالنِّسْوَةِ، وَرَدَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ إِلَى كَرْبَلَاءَ؛ اِمَامُ عَلِي بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَمْرَاهُ بِاَزْوَاجِهِ، سَرِ اِمَامِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَا بِهٖ كَرْبَلَا بِاَزْوَاجِهِ». «۲»

ج) ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ ق) نیز در مناقب، اعاده سر مطهر امام حسین علیه السلام را به بدنش ذکر کرده است. «۳»

د) عالم بزرگ اهل سنت سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴ ق) نیز می نویسد: «أَلَا شَهْرٌ أَنَّهُ رُدَّ إِلَى كَرْبَلَاءَ فَدُفِنَ مَعَ الْجَسَدِ؛ قول مشهورتر آن است که سر مبارک آن حضرت به کربلا آورده شد و در کنار پیکر مطهرش دفن گردید». «۴»

ه) علامه مجلسی نیز می نویسد: «مشهور میان علمای امامیه آن است که سر مبارک آن حضرت کنار پیکر شریفش به خاک سپرده شد و این کار توسط امام علی بن الحسین علیه السلام انجام گرفت». «۵»

ص: ۹

و) شبلنجی عالم بزرگ اهل سنت نیز می نویسد: «امامیه معتقد است بعد از چهل روز از شهادت امام حسین علیه السلام سر مطهر آن حضرت به بدنش در کربلا ملحق شد.» (۶)

بنابراین، با توجه به این نکته که سرهای شهدا به کربلا بازگردانده شد و آن هم توسط امام سجّاد علیه السلام صورت گرفت و در کنار بدن های مطهر به خاک سپرده شد.

پی نوشت ها

(۱). امالی صدوق، مجلس ۳۱، ص ۱۶۸، ح ۴، (خَرَجَ عَلَيَّ بَنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالنَّسْوَةِ وَرَدَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ إِلَى كَرْبَلَاءَ)

(۲). روضه الواعظین، ص ۱۹۲

(۳). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵

(۴). تذکره الخواص، ص ۱۵۰

(۵). بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵

(۶). نورالابصار، ج ۲، ص ۴۴

زیارت جابر بهمراه عطیه درروز اربعین

شخصیت علمی عطیه

عطیه بن سعد بن جناده عوفی، از رجال علم و حدیث شیعه بود. وی در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه به دنیا آمد. نام عطیه، به پیشنهاد آن حضرت بر وی نهاده شد. او از راویان موثق شیعه بود که حتی در کتب رجالی اهل سنت هم توثیق شده است. وی به جرم تشیع و هواداری علی علیه السلام از سوی حجاج بن یوسف تحت تعقیب بود و به فارس گریخت. به دستور حجاج، او را گرفتند و چون حاضر نشد علی علیه السلام را لعن کند، چهارصد تازیانه بر بدنش زدند و موی سر و ریش او را تراشیدند. از آن پس به خراسان رفت و پس از مدتی به کوفه بازگشت. در کوفه بود تا در سال ۱۱۱ هجری درگذشت.

ص: ۱۰

منبع:

معارف و معاریف ، ج ۴ ، ص ۱۵۶۷ .

جابر بهمهراه عطيه

أخبرنا الشيخ الأمين أبو عبد الله محمد بن شهریار الخازن بقراءتی علیه فی مشهد مولانا أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام فی شوال سنه اثنتی عشره و خمسمائه قال أملاً علينا أبو عبد الله محمد بن محمد البرسی قال: أخبرنی أبو طاهر محمد بن الحسين القرشی المعدل قال: حدثنا أبو عبد الله أحمد بن أحمد بن حرمان الأسدی قال:

حدثنا أبو أحمد إسحاق بن محمد بن علی المقری قال: حدثنا عبد الله قال: حدثنا عبید الله بن محمد بن الأیادی قال: حدثنا عمر بن مدرک قال: حدثنا یحیی بن زیاد الملکی قال: أخبرنا جریر بن عبد الحمید عن الأعمش عن عطیه العوفی قال: خرجت مع جابر بن عبد الله الأنصاری زائرین قبر الحسين بن علی بن أبی طالب علیه السلام فلما وردنا كربلاء دنا جابر من شاطئ الفرات فاغتسل ثم اتزر بإزار و ارتدی بآخر ثم فتح صره فيها سعد فنثرها علی بدنہ ثم لم یخط خطوه إلا ذکر الله تعالی حتی إذا دنا من القبر قال ألمسنيه فآلمسته فخر علی القبر مغشياً علیہ فرششت علیہ شیئاً من الماء فلما أفاق قال یا حسین ثلاثاً ثم قال حبيب لا یجب حبیبه ثم قال و أنى لك بالجواب و قد شحطت أوداجک علی أثباجک و فرق بین بدنک و رأسک فأشهد أنك ابن خاتم النبیین و ابن سید المؤمنین و ابن حلیف التقوی و سلیل الهدی و خامس أصحاب الکساء و ابن سید النقباء و ابن فاطمه سیده النساء و ما لك لا تكون هکذا و قد غذتک کف سید المرسلین و ربيت فی حجر المتقین و رضعت من ثدی الإیمان و فطمت بالإسلام فطبت حیا و طبمت میتا غیر أن قلوب المؤمنین غیر طیبه لفراقک و لا- شاکه فی الخیره لك فعلیک سلام الله و رضوانه و أشهد أنك مضیت علی ما مضی علیہ أخوک یحیی بن زکریا ثم جال بصره حول القبر و قال السلام علیکم أيتها الأرواح التي حلت بفناء الحسين و أناخت برحله و أشهد أنکم أقمتم الصلاه و آتیتم الزکاه و أمرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر و جاهدتم الملحدین و عبدتم الله حتی أتاکم الیقین و الذی بعث محمداً بالحق نبیاً لقد شارکناکم فیما دخلتم فیہ قال عطیه فقلت له یا جابر کیف و لم نهبط وادیا و لم نعل جبلاً و لم نضرب بسیف و القوم قد فرق بین رءوسهم و أبدانهم و أوتمت أولادهم و أرملت أزواجهم؟ فقال یا عطیه سمعت حبیبی رسول الله صلی الله علیه و آله یقول من أحب قوماً حشر معهم و من أحب عمل قوم أشرك فی عملهم و الذی بعث محمداً بالحق نبیاً أن نیتی و نیه أصحابی علی ما مضی علیہ الحسين ع و أصحابه خذنی نحو إلى آیات کوفان فلما صرنا فی بعض الطريق قال یا عطیه هل أوصیک و ما أظن أننی بعد هذه السفره ملائیک أحب محب آل محمد ص ما أحبهم و أبغض مبغض آل محمد ما أبغضهم و إن کان صواما قواما و ارفق بمحب محمد و آل محمد فإنه إن تزل له قدم بکثره ذنوبه ثبتت له أخرى بمحبتهم فإن محبتهم یعود إلى الجنه و مبغضهم یعود إلى النار.

ص: ۱۱

ترجمه:

شیخ جلیل القدر عماد الدین ابوالقاسم طبری آملی که از اجلاء فن حدیث و تلمیذ ابوعلی بن شیخ طوسی است در کتاب (بشاره المصطفی) که از کتب بسیار نفیسه است، مُسنداً روایت کرده است از عطیه بن سعد بن جُنَادَة العوفی الکوفی که از رؤات امامیه است و اهل سنت در رجال تصریح کرده اند به صدق او در حدیث که گفت: ما بیرون رفتیم با جابر بن عبدالله انصاری به جهت زیارت قبر حضرت حسین علیه السّلام پس زمانی که به کربلا وارد شدیم جابر نزدیک فرات رفت و غسل کرد پس جامه را لنگ خود کرد و جامه دیگر را بر دوش افکند پس گشود بسته ای را که در آن (سُعد) بود و پاشید از آن بر بدن خود، پس به جانب قبر روان شد و گامی بر نداشت مگر با ذکر خدا تا نزدیک قبر رسید مرا گفت: که دست مرا به قبر گذار، من دست وی را بر قبر گذاشتم چون دستش به قبر رسید بی هوش بر روی قبر افتاد، پس آبی بر روی پاشیدم تا به هوش آمد و سه بار گفت یا حسین! سپس گفت: حَبِيبٌ لَا يُجِيبُ حَبِيبُهُ؟ آیا دوست جواب نمی دهد دوست خود را؟ پس گفت: کجا توانی جواب دهی و حال آنکه در گذشته از جای خود رگهای گردن تو و آویخته شده بر پشت و شانه تو، و جدائی افتاده ما بین سر و تن تو، پس شهادت می دهم که تو می باشی فرزند خیر النَّبیین و پسر سیدالمؤمنین و فرزندهم سوگند تقوی و سلیل هُدی و خامس اصحاب کساء و پسر سید النقباء و فرزند فاطمه علیها السّلام سیده زنها و چگونه چنین نباشی و حال آنکه پرورش داده ترا پنجه سیدالمرسلین و پروریده شدی در کنار متّقین و شیر خوردی از پستان ایمان و بریده شدی از شیر باسلام و پاکیزه بودی در حیات و ممات، همانا دلهای مؤمنین خوش نیست به جهت فراق تو و حال آنکه شکی ندارد در نیکوئی حال تو، پس بر تو باد سلام خدا و خشنودی او، و همانا شهادت می دهم که تو گذشتی بر آنچه گذشت بر آن برادر تو یحیی بن زکریا. پس جابر گردانید چشم خود را بر دور قبر و شهدا را سلام کرد بدین طریق: اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْاَزْوَاجُ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَاءِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَاَنَا حَتَّ بِرَحْلِهِ؛ اَشْهَدُ اَنَّکُمْ اَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَاَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَاَمَرْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُم عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِیْنَ وَعَبَدْتُمُ اللّٰهَ حَتّٰی اَتَیْکُمُ الْیَقِیْنُ. پس گفت: سوگند به آنکه بر انگیخت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به نبوت حقّه که ما شرکت کردیم در آنچه شما داخل شدید در آن . عطیه گفت: به جابر گفتم: چگونه ما با ایشان شرکت کردیم و حال آنکه فرود نیامدیم ما وادئی را و بالا- نرفتیم کوهی را و شمشیر نزدیم و اما این گروه، پس جدائی افتاده ما بین سر و بدنشان و اولادشان یتیم و زنانشان بیوه گشته؟! جابر گفت: ای عطیه! شنیدم از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که می فرمود: هر که دوست دارد گروهی را، با ایشان محشور شود و هر که دوست داشته باشد عمل قومی را، شریک شود در عمل ایشان. پس قسم به خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به راستی برانگیخته که نیت من و اصحابم بر آن چیزی است که گذشته بر او حضرت حسین علیه السّلام و یاورانش. پس جابر گفت: ببرید مرا به سوی خانه های کوفه، پس چون پاره ای راه رفتیم به من گفت: ای عطیه آیا وصیت کنم ترا و گمان ندارم که برخورم ترا پس از این سفر، و آن وصیت این است که دوست دار دوست آل محمد را مادامی که ایشان را دوست دارد، و دشمن دار دشمن آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را تا چندی که دشمن است با ایشان اگر چه روزه دار و نماز گزار باشند، و مدارا کن با دوست آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم اگر چه بلغزد از ایشان پائی از بسیاری گناهان و استوار و ثابت بماند پای دیگر ایشان از راه دوستی ایشان، همانا دوست ایشان باز گشت نماید به بهشت و دشمن ایشان باز گردد به دوزخ.

منبع:

بشاره المصطفی لشيعه المرتضى (ط - القديمه)، ج ۲، ص: ۷۵

نحوه زیارت اربعین جابر

وَقَالَ عَطَاءٌ كُنْتُ مَعَ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْ صَفَرٍ فَلَمَّا وَصَلْنَا الْغَاظِرِيَّةَ اغْتَسَلَ فِي شَرِيعَتِهَا وَلَبَسَ قَمِيصًا كَانَ مَعَهُ طَاهِرًا ثُمَّ قَالَ لِي أَمْعِكَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيِّبِ يَا عَطَاءُ قُلْتُ مَعِيَ سِدْعَةٌ فَجَعَلَ مِنْهُ عَلَى رَأْسِهِ وَ سَائِرَ جَسَدِهِ ثُمَّ مَشَى حَافِيًا حَتَّى وَقَفَ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا ثُمَّ خَرَّ مَغْشِيًا عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِ السَّادَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا لُيُوثَ الْغَابَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفِينَةَ النَّجَاهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُضِطَّفِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ بَنِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ بَنِ الْقَتِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَبَرَزْتَ وَالِدَيْكَ وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْتَمِعُ الْكَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيُّهُ وَصَفِيُّهُ وَابْنُ صَفِيِّهِ زُرْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِي أَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَبِأُمِّكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْكَ وَظَالِمِيكَ وَشَانِيَيْكَ وَمُبْغِضَيْكَ مِنَ الْمَأُولِينَ وَالْمَآخِرِينَ ثُمَّ انْحَنَى عَلَى الْقَبْرِ وَمَرَّغَ خَدَّيْهِ عَلَيْهِ وَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ حَمَّاءَ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمَكَ أَنْتَقَرُبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدُوِّكُمْ ثُمَّ قَبَّلَهُ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَالتَفَتَ إِلَى قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الْمُنِيحَةِ بِقَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شَيْعَةَ اللَّهِ وَشَيْعَةَ رَسُولِهِ وَشَيْعَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَهْدِيُّونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْحَافِينَ بِقُبُورِكُمْ جَمَعَنِي اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ تَحْتَ عَرْشِهِ.

ص: ۱۳

« عطاء » روایت کرده که گفت :

با جابر برای زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام به کربلا آمدم . جابر غسل کرد و بر خود عطر زد . دستش را گرفته به روی قبر مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام گذاشتم . بیهوش شد . بر صورت او آب زدم . به حال آمد . با سوز دل سخنانی جگر سوز به محضر حضرت حسین علیه السلام عرضه داشت ،

سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما ای انتخاب گشته های خدا از میان خلق، سلام بر شما ای آقایان آقاها، سلام بر شما ای شیران بیشه ها، سلام بر شما ای کشتیهای نجات، سلام بر تو ای ابا عبد الله الحسین، سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران، رحمت و برکات خدا بر تو باد، سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، سلام بر تو ای شهید فرزند شهید، سلام بر تو ای کشته فرزند کشته، سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا بر خلقش، گواهی می دهم که تو نماز بپا داشتی، و زکات پرداختی، و به معروف امر کردی، و از منکر نهی نمودی، و مصیبت زده پدر و مادر شدی، و با دشمنت جهاد کردی، و گواهی می دهم که تو سخن را می شنوی، و پاسخ می دهی، و تو حبیب و دوست و بنده نجیب و برگزیده و فرزند برگزیده خدایی، ای مولای من و فرزند مولای من مشتاقانه تو را زیارت نمودم. ای آقای من به درگاه خدا شفیع من باش، ای آقای من، به درگاه خدا طلب شفاعت می کنم به وسیله جدّت سرور پیامبران، و پدرت سرور جانشینان، و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان، خدایا لعنت کند قاتل و ستمگر و غارت گر و دشمنت را از گذشتگان و آیندگان، و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش. سپس قبر مطهر را ببوس و رو به جانب علی بن الحسین علیه السلام کن و در زیارت آن جناب بگو: سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من، خدا لعنت کند کشنده تو و ستم کننده بر تو را، من به زیارت شما و محبتتان به خدا تقرب می جویم، و از دشمنانتان اعلام بیزاری می کنم سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای مولایم. بعد برو تا به قبور شهدا (رضوان الله علیهم) بررسی آنجا بایست و بگو: سلام بر ارواح خفته در کنار قبر ابی عبد الله الحسین (درود بر او)، سلام بر شما ای پاکان از آلودگی، سلام بر شما ای هدایت شده گان سلام بر شما ای نیکان خدا، سلام بر شما و بر همه فرشتگان پیرامون قبرهایتان خدا ما و شما را در جایگاه رحمتش و زیر عرشش گرد آورد، که او مهربان ترین مهربانان است، و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

منبع:

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۸، ص: ۳۳۰

زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص: ۵۲۹

زیاره اربعین نشانه مومن

وَقَالَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ (عليه السلام): عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ إِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَالتَّحَنُّنُ بِالْيَمِينِ وَتَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرموده است: پنج چیز از نشانه های مؤمن است. گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله و زیارت اربعین و انگشت در دست راست کردن و پیشانی بر خاک ساییدن و بلند گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (۱)

علائم مؤمن

این روایت ما را به این عادت همگان شناخته شده میان مردم راهنمایی می کند، بزرگداشت سید الشهداء و بر پائی مجالس ذکر او در روز اربعین از جانب کسانی است که محب و شیعه او باشند و بدون شک شیعیان همان مؤمنینی هستند که به امامت او معتقد باشند و از علائم ایمان و محبت آنها به آقای جوانان بهشت، حضور یافتن نزد قبر مطهر وی در روز اربعین برای اقامه ماتم و تجدید عهد و میثاق با وی می باشد. تصرف کردن در جمله زیاه الأربعین به اینکه بگوییم منظور از آن زیارت چهل فرد مؤمن باشد، یک کج فهمی است که ذوق سلیم از آن اباء و امتناع دارد، چون اگر منظور حدیث، زیارت چهل مؤمن بود، می بایست الف و لام نیاورد و بگوید: زیاره اربعین، الان که الف و لام عهد را آورده است معلوم می شود همان زیارت اربعین معهود و معروف مد نظر است که یکی از علائم ایمان و محبت نسبت به ائمه علیهم السلام می باشد.

ص: ۱۵

باب نجات و کشتی رحمت

نکته دیگر اینکه ائمه معصومین علیهم السلام اگر چه عموماً درهای نجات و کشتیهای رحمت هستند و با ولایت آنان مؤمن از غیر مؤمن شناخته می شود و همگان در راه دعوت به دین شهید شدند و جان خود را برای امتثال امر خداوند اهدا کرده اند و لذا امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: این امر را دوازده امام دارند هیچ کدام از آنها نیست مگر اینکه مقتول یا مسموم می شود، و لذا واجب است اقامه ماتم در اربعین هر کدام از ائمه، اما قرینه حالیه، علماء را ملزم کرده است که از این جمله، خصوص زیارت حسین علیه السلام را بفهمند، زیرا قضیه سید الشهداء است که میان دعوت حق و باطل تمیز داده و لذا گفته می شود که آغاز اسلام، محمدی، و بقاء آن حسینی است و حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حسین از من است و من از حسینم، به همین مطلب اشاره می کند، زیرا آنچه سید الشهداء تحمل کرد برای محکم کردن اساس اسلام، پاک کردن خارهای باطل از راه شریعت و آگاه کردن نیکان به جرائم اهل ضلال و گمراهی بود و این عین نهضت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای نشر دعوت الهی بود. به همین دلیل است که ائمه معصومین علیه السلام هیچ فرصتی نیافته اند مگر اینکه نظرها را به این نهضت کریمه، متوجه سازند، چون این نهضت در بر گیرنده فاجعه هائی است که صخره را فرو می ریزد و می داند که مواظبت بر آشکار کردن مظلومیت حسین علیه السلام عاطفه ها را تحریک و دلها را نرم می کند، شنونده می داند که حسین امامی عادل است، هرگز به پستی تن نمی دهد، او امامت را از جد و پدر خود گرفته است و هر کس به مبارزه او برخیزد از عدالت خارج است، هنگامی که شنونده دانست که حق با حسین علیه السلام و فرزندان معصوم اوست بدون شک راه آنان را خواهد پیمود.

از این روست که از جانب ائمه علیهم السلام تشویق به اقامه ماتم در هیچ اربعینی حتی اربعین پیامبر عالیقدر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وارد نشده است زیرا تذکر دادن فاجعه کربلا- یک عامل قوی در باقی گذاردن رابطه دینی، و متوجه کردن نظرها به کربلا- در احیاء امر معصومین علیهم السلام جذاب تر است. و به هر حال برای خواننده گرامی اختصاص زیارت اربعین به مؤمن آشکار می شود اگر نظائر و هم قرینه های آن را که حدیث بر آنها اشاره نموده است.

نخستین آنها نماز پنجاه و یک رکعت است که در شب معراج تشریع شد و با شفاعت پیامبر به پنج نماز واجب بسنده شد: هفده رکعت در صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء و سی و چهار رکعت نافله: هشت رکعت نافله ظهر قبل از آن و هشت رکعت نافله عصر قبل از آن، چهار رکعت مغرب بعد از صبح و یازده رکعت نافله شب که با اضافه نمودن آنها به نمازهای واجب مجموعاً پنجاه و یک رکعت می شوند. این عمل از مواردی است که مختص به امامیه است، اهل سنت اگر چه در عدد فرائض، موافق با شیعه هستند اما در نوافل اقوال آنها مختلف و گونه گون است: در فتح القدیر از ابن همام حنفی ج ۱، ص ۳۱۴ آمده است که نوافل دو رکعت قبل از فجر، چهار رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعد از ظهر، چهار رکعت قبل از مغرب و دو رکعت بعد از آن و چهار رکعت بعد از عشاء است در مورد نافله شب هم اختلاف است که آیا هشت رکعت است یا دو رکعت یا سیزده رکعت یا بیشتر؟ که مجموع نوافل شب و روز با نمازهای واجب پنجاه و یک رکعت نمی شود و لذا پنجاه و یک رکعت مختص به امامیه است. دومین چیزی که روایت ذکر کرده بلند بسم الله گفتن است. امامیه در نمازهای جهریه (نمازی که باید با صدای بلند خواند شود یعنی صبح و مغرب و عشاء) آن را واجب می دانند و در نمازهای اخفاتی (ظهر و عصر) آن را مستحب می دانند.

مورد دوم: آشکارا گفتن بسم الله الرحمن الرحيم است امامیه معتقدند که در نمازهای واجب جهری مثل مغرب، عشاء و صبح به صورت وجوبی آشکارا گفتن آن لازم است و به صورت استحباب در نمازهای اخفاتی مانند ظهر و عصر.

فخر رازی می گوید: شیعه معتقد است که بلند گفتن بسم الله در نمازهای جهری و اخفاتی از سنت است و بقیه فقها با این نظر شیعه، مخالف هستند. به تواتر ثابت شده است که علی بن ابیطالب علیه السلام بسم الله را بلند می گفت و هر کس در دین خود به علی علیه السلام اقتدا کند به تحقیق هدایت یافته است و دلیل آن هم قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: خدایا حق را با علی علیه السلام بگردان هر جا که بوده باشد. البته این کلمه فخر رازی را ابو الثناء آلوسی هضم نکرده است و لذا گفته است: اگر فردی به جمیع آنچه از امیرالمؤمنین متواتر است عمل کند به تحقیق کافر شده است، چون باید به بعضی ایمان آورد و به بعضی کافر شود و اینکه گفته شده که هر کس در دین خود به علی علیه السلام اقتدا کند هدایت شده، مسلم است، ولی در صورتی است که روایتی که کارهای علی علیه السلام را حکایت می کند مسلم و متواتر باشد. این هجوم آلوسی و امثال او، به شیعه ضرر نمی رساند که قدمهای خود را بر ولایت سید اوصیاء راسخ گردانیده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: ای علی خدای تعالی را نشناخت مگر من و تو، مرا نشناخت مگر خدا تو، و تو را نشناخت مگر خدا و من. اهل تسنن در مسأله جهر با امامیه مخالف هستند. در مغنی ابن قدامه ج ۱، ص ۴۷۸ بدایع الصنایع کاشانی ج ۱، ص ۲۰۴ و شرح زرقانی بر مختصر ابی الضیاء ج ۱، ص ۲۱۶ آمده است که بلند گفتن بسم الله در نماز سنت نیست.

ص: ۱۸

سومین چیزی که حدیث به آن متعرض شده است، اینست که انگشتر را به دست راست بکنند، امامیه طبق روایات ائمه علیه السلام به آن ملتزم شده اند و گروهی از اهل تسنن مخالفت کرده اند. ابن حجاج مالگی می گوید: سنت اینست که هر نجاستی با دست چپ گرفته شود و هر شیء پاک با دست راست گرفته شود، لذا در مورد انگشتر مستحب اینست که به دست چپ زده شود چون با دست راست گرفته می شود و به دست چپ زده می شود.

ابن حجر حکایت می کند که مالک اکراه داشت انگشتر را به دست راست بزند و آن را به دست چپ می زد و از مالکیه باجی مبالغه کرده است. در اینکه انگشتر به دست چپ نمودن ارجح است شیخ اسماعیل بروسوی در عقد الدرر روایت کرده است که در اصل سنت بر این بوده است که انگشتر را به دست راست بزنند و چون این کار شعار اهل بدعت و ظلمت (شیعه) شد لذا در زمان ما سنت بر اینست که انگشتر را به دست چپ بزنند (یا للعجب!).

چهارمین چیزی که در حدیث ذکر شده است تغفیر جبین است. تغفیر در لغت به معنای بر خاک گذاشتن بر خاک سائیدن است و جبین به معنای پیشانی است. پس غرض بیان این نکته است که در سجود باید پیشانی بر خاک گذاشته شود، او حنیفه و مالک و احمد بنابر روایتی سجده بر عمامه پیچیده شده و فزونی لباس و مطلق ملبوسات را تجویز کرده اند حنیفه سجده بر دست را نیز اجازه داده اند و همچنین سجده بر گندم و جو را نیز اجازه داده اند. اگر منظور از جبین صورت باشد پس هدف حدیث اینست که در سجده شکر ارجح اینست که تمامی صورت به خاک مالیده شود و لذا صاحب مدارک استنباط کرده به خاک گذاشتن گونه ها وارد شده و به واسطه همین موسی بن عمران علیه السلام استحقاق خدا را یافت، و امامیه هم در تغفیر (خاکمالی نمودن) اختلاف نظر ندارند. اهل تسنن چه در نماز و چه در سجده شکر ملتزم به تغفیر نیستند در حالی که نخعی و مالک و ابو حنیفه اصلاً سجده شکر را مکروه می دانند ولی حنابله و شافعی به اصل سجده شکر، معتقدند بدون اینکه بر خاک باشد.

خلاصه ای درباره علائم مؤمن:

از آنچه ذکر شد آشکار می شود که منظور از زیاره الأربعین ارشاد کردن دوستداران اهل بیت علیهم السلام به حاضر شدن در محل شهادت سید الشهداء علیه السلام است تا اقامه عزا کنند با ذکر کردن آنچه بر او گذشت از قساوتی که هیچ انسانی مرتکب نمی شود تا چه رسد به اینکه متدین هم بوده باشد، یاد او را زنده بدارند و حضور نزد قبر حسین علیه السلام در روز اربعین از آشکارترین علائم ایمان است. تعجب است از کسی که در این جمله تصرف کند و بگوید منظور از آن زیارت چهل مؤمن است در حالی که هیچ قرینه ای بر آن وجود ندارد و الف و لام عهد همان زیارت اربعین را دلالت می کند. البته زیارت چهل مؤمن هم از مواردی است که به آن تشویق شده است ولی از اختصاصات مؤمن نیست در حالی که زیارت حسین علیه السلام در چهلمین روز از قتلش از مواردی است که مختص به مؤمن است و معلوم است آنها که در روز اربعین در حرم مطهر حضور می یابند شیعیان واقعی و پیروان حقیقی او می باشند.

شاهد بر مطلب اینست که بزرگان از علماء از این حدیث همان زیارت حسین علیه السلام در روز اربعین را فهمیده اند. از جمله آنها ابو جعفر محمد بن حسن طوسی است در التهذیب (ج ۲، ص ۱۷) باب فضیلت زیارت حسین علیه السلام، پس از آنکه احادیثی درباره مطلق زیارت حسین علیه السلام نقل می کند اوقات خاصی را نیز ذکر می کند که از جمله آنها عاشورا است و پس از آن این حدیث را ذکر می کند. در مصباح المتهجد ص ۵۵۱ در حوادث ماه صفر ذکر نموده و گفته است: در بیستم آن بازگشت حرم ابی عبدالله علیه السلام از شام به مدینه و ورود جابر بن عبدالله انصاری به کربلاء جهت زیارت ابی عبدالله علیه السلام است، او نخستین زائر بود و زیارت او زیارت اربعین بود، به تحقیق امام حسن عسکری علیه السلام فرموده اند: علامات مؤمن پنج چیز است الی آخر. ابوریحان بیرونی نیز گفته است: در بیستم صفر سر به بدن باز گردانده شد و با آن دفن شد، در این روز زیارت اربعین وارد شده است و روز بازگشت حرم حسین علیه السلام از شام می باشد. علامه حلی در المنتهی می فرماید: زیارت حسین علیه السلام در بیستم صفر مستحب است، امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی فرموده اند: علامات مؤمن پنج چیز است: الی آخر. سید رضی الدین علی بن طاووس در الاقبال در باب زیارت حسین علیه السلام در بیستم صفر می گوید: ما روایت کرده ایم از امام حسن عسکری علیه السلام که فرموده اند: علامات مؤمن پنج چیز است ...

ص: ۲۰

مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه این حدیث را در مزار البحار در مبحث زیارت حسین علیه السلام در روز اربعین نقل می کند، شیخ بحرانی در حدائق می گوید: زیارت حسین علیه السلام در بیستم صفر از علامات مؤمن است.

شیخ عباس قمی در مفاتیح این روایت را از تهذیب و مصباح المتهجد به عنوان دلیل بر رجحان زیارت اربعین نقل می کند بدون آنکه احتمال دهد که چهل مؤمن منظور است. اینکه بعضی بعید دانسته اند که منظور از روایت، زیارت اربعین باشد از آن جهت است که امام علیه السلام به آثار اخروی زیارت پرداخته اند با اینکه اهل بیت علیهم السلام هنگام تشویق به زیارت حسین علیه السلام ثوابهای مترتب بر آن را نیز ذکر می کنند. البته این استبعاد قابل توجه نیست، چون در این حدیث می خواهند علائم مؤمن را ذکر کنند که از غیر مؤمن ممتاز شود و در صدد بیان آثار زیارت نیستند.

شیخ مفید در مسار الشیعه، علامه حلی در تذکره و تحریر و ملامحسن فیض در تقویم المحسنین تصریح کرده اند که استحباب زیارت در بیستم صفر است و اینکه شیخ بهائی در توضیح المقاصد اربعین را نوزدهم از صفر دانسته اند بنابر آن است که روز دهم را نیز از چهل روز محاسبه کنند، در حالی که این امر خلاف متعارف است. (۲)

منبع:

۱. روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۱، ص: ۱۹۵

۲. مقتل الحسین علیه السلام

زیارت اربعین در اسناد تاریخی

اما عده ی که پیش از سید بن طاووس در آثار یا مقاتل خود به مناسبت، تصریح و یا تاییدی بر اربعین داشته اند:

۱- ابو مخنف - لوط بن یحیی - معاصر با امام حسین علیه السلام (۱)

ص: ۲۱

۲- شیخ صدوق، (متوفی سال ۳۸۱ق.):

«امام سجاد علیه السلام با اهل بیت علیهم السلام و سرهی مطهر شهیدان از دمشق خارج شد و سرهی مقدس را در کربلا دفن کرد». (۲)

هر چند ایشان تصریح نکرده اند که ورود اهل بیت علیهم السلام در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است اما از آنجا که هیچ کس زمان دیگری را در تاریخ، بری ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا به ثبت نرسانده است، در نتیجه ورود امام سجاد علیه السلام به همراه اهل بیت به کربلا، در روز اربعین سال ۶۱ ق. بوده است.

۳- اسفرائینی (متوفی ۴۰۶ق.) - از علمی بزرگ مذهب شافعی - در مقتل خود تصریح می کند که اهل بیت علیهم السلام، بیستم صفر وارد کربلا شده و با جابر ملاقات کردند. او می گوید: «و لما وصلوا الی بعض الطريق» (و چون به راهی رسیدند) نمی گوید: «و لما وصلوا الی طریق کربلا او العراق» (و چون به راه کربلا یا عراق رسیدند) تا اشکال شود راه کربلا از بین راه مدینه نیست، بلکه از خود شام است.

۴- علم الهدی سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ق.) می نویسد:

«ان راس الحسین علیه السلام اعید الی بدنه فی کربلا» (۳)

یعنی: همانا سر مطهر امام حسین علیه السلام در کربلا به پیکر مقدس آن حضرت، عودت داده شد.

۵- ابو ریحان بیرونی، محقق و ریاضیدان شهیر (متوفی ۴۴۰ق.) در کتاب نفیس خود «الآثار الباقیه» چنین می گوید:

«و فی العشرين رد راس الحسین علیه السلام الی جثته حتی دفن مع جثته و فیه زیاره الاربعین و هم حرمه بعد انصرافهم من الشام» (۴)

یعنی: سر مقدس امام حسین علیه السلام در بیستم صفر به جسد مطهر امام برگردانده و با پیکرش دفن گردید. زیارت اربعین در خصوص این روز است. اهل بیت علیه السلام نیز بعد از مراجعت از شام این روز را حرمت نهادند.

ص: ۲۲

پس ایشان تصریح می کند که ورود اهل بیت علیه السلام به کربلا پس از بازگشت از سفر شام بود نه قبل از رفتن به شام که مرحوم شعرانی ترجیح می دهد.

۶- شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق.) علت سنت شدن زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین را تنها انجام مراسم تدفین سرهی مطهر امام علیه السلام و سایر شهدا در کربلا می داند. (۵)

۷- شیخ فتال نیشابوری (متوفی ۵۰۸ق.) می گوید:

«خرج علی بن الحسین علیه السلام بالنسوه و رد راس الحسین علیه السلام الی کربلا» (۶)

یعنی: امام سجاد علیه السلام به همراه اهل بیت علیهم السلام، سر امام حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند.

۸- عماد الدین طبری آملی (متوفی اوایل قرن ششم) . (۷)

۹- شیخ شهید طبرسی در سال ۵۰۸ق. (۸)

۱۰- ابن شهر آشوب (متوفی سال ۵۸۸ق.) در مناقب اعاده سر مطهر به بدن را ذکر کرده است. (۹)

۱۱- علامه شهیر و مورخ کبیر، سبط ابن الجوزی از علمای بزرگ اهل سنت (متوفی سال ۶۵۴ق.) چنین می گوید:

«الاشهر انه رد الی کربلا فدفن مع الجسد» . (۱۰)

یعنی: بنا بر نظر مشهورتر، سر امام حسین علیه السلام به کربلا بازگردانده و با پیکرش دفن گردید.

۱۲- سید بن طاووس - علی بن موسی بن جعفر - (متوفی ۶۶۸ق.)، در کتاب لهوف، رجوع اهل بیت علیهم السلام به کربلا و همچنین دفن سر مطهر در کربلا را نقل کرده، و در کتاب اقبال، (۱۱) لحوق سر مطهر به بدن در روز بیستم صفر را پذیرفته، گرچه در باره آورنده سر مطهر و کیفیت دفن آن سکوت کرده است.

۱۳- شیخ فقیه ابن نما حلی - جعفر بن محمد بن جعفر - (متوفی اواخر قرن هفتم) نسبت به ورود اهل بیت علیهم السلام به کربلا و ملاقاتشان با جابر تصریح نموده است. (۱۲)

۱۴- مورخ معروف «خواند میر» (متوفی ۹۴۲ق.)، اربعین را اصح روایات در دفن سر مطهر دانسته، و می گوید:

«امام چهارم با خواهران و... در بیستم شهر صفر، سر امام حسین علیه السلام و سایر شهیدان کربلا (رضی الله عنهم) را به بدنهی ایشان منضم ساخت». (۱۳)

۱۵- الشراوی، عبد الله بن محمد، شیخ جامع ازهر قاهره، صاحب کتاب «الاتحاف بحب الاشراف» (متوفی ۱۱۷۲ق.) نقل می کند: «بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد». (۱۴)

۱۶- زکریا بن محمد قزوینی (متوفی ۱۳۰۵ق.) در کتاب عجائب المخلوقات چنین می گوید:

«اليوم الاول منه عيد بنی امیه ادخلت فيه راس الحسين (رضی الله عنه) بدمشق و العشرون منه رد راس الحسين الى جثته». یعنی: اولین روز ماه صفر، عید بنی امیه بود، سر مقدس امام حسین علیه السلام در این روز وارد دمشق شد و در روز بیستم همین ماه، سر مبارک امام، به بدن مطهرش بازگردانده شد.

۱۷- علامه جلیل القدر سید محسن امین عاملی در «لواعج الاشجان» به نقل از بشاره المصطفی، و در «اعیان الشیعه» می گوید: «ورود اهل بیت به کربلا مشهور است». (۱۵)

۱۸- عالم شریف سید عبد الرزاق مقرر در «مقتل الحسين علیه السلام» چنین می گوید:

«اهل بیت علیهم السلام در کربلا با جابر ملاقات کردند». (۱۶)

و نیز می گوید:

«امام سجاد علیه السلام سر مطهر پدر و سایر شهدا را در کربلا ملحق به بدنها کرد». (۱۷)

۱۹- ابن حجر مکی، احمد بن محمد، (متوفی سال ۹۳۷ق.) صاحب کتاب «الصواعق المحرقة» و شرح قصیده همزیه بوصیری می گوید:

«بعد از چهل روز سر به بدن ملحق شد». (۱۸)

پی نوشت ها

(۱) مقتل ابو مخنف، به نقل از مرحوم حاج میرزا حسین نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۷.

(۲) شیخ صدوق، امالی، ۱۳۴۹ ش.، ص ۱۶۸، مجلس ۳۱.

(۳) شهید قاضی طباطبایی، تحقیق اربعین، ص ۳۴۱، چاپ دوم، به نقل از مناقب شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۰ و نیز نقل شیخ طبرسی در اعلام الوری، ص ۲۵۰، ج بیروت ۱۳۹۹ق.

(۴) همان، ص ۳۴۴ به نقل از الاثار الباقیه، ص ۳۳۱ چاپ اروپا، و نیز ص ۲۲ ج دوم به نقل از ترجمه الاثار الباقیه ص ۳۹۲، تهران ۱۳۲۱.

(۵) به نقل از مرحوم محدث قمی، نفس المهموم، ص ۴۶۶، و شهید قاضی، پیشین، ص ۳۴۱.

(۶) شیخ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۳۰.

(۷) بشاره المصطفی، به نقل سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۴۷.

(۸) اعلام الوری، چاپ بیروت، ۱۳۹۹ق.، ص ۲۵۰.

(۹) به نقل از سید مقرر، مقتل الحسین، ص ۴۶۹.

(۱۰) شهید قاضی طباطبایی، تحقیق اربعین، ص ۳۴۲ و ۳۴۹ چاپ ۲، به نقل از تذکره الخواص، و نیز مقتل مقرر ص ۴۷۰ به نقل از تذکره الخواص ص ۱۵۰ همچنین اعیان الشیعه ج ۱، ص ۶۲۶، ق ۲.

(۱۱) ص ۵۸۸.

(۱۲) مثیر الاحزان، ۱۳۱۸ق، ص ۵۹، به نقل از شهید قاضی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰، و نیز سید مقرر، پیشین، ص ۴۶۹.

(۱۳) خواند میر، حبیب السیر، ج ۲، ص ۶۰.

(۱۴) مقتل مقرر، ص ۴۶۹ به نقل از الاتحاف بحب الاشراف ص ۱۲.

(۱۵) سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۷.

(۱۶) عبد الرزاق مقرر، مقتل الحسین، ص ۴۶۷، ج ۱۳۸۳ ق

(۱۷) همان، ص ۴۶۹.

(۱۸) همان.

عنايات امام حسين (ع) به زوار در روز اربعين

شفای چشم

آقای حاج میرزا مهدی بروجردی نزیل قم که از علماء و بزرگان حوزه علمیه و صاحب تالیفات عدیده است من جمله اسلام و مستمندان که در آن نوشته است، در سن بیست سالگی در اثر ضعف چشم محتاج بعینک شدم و بالتیجه لازم دانستم که برای علاج آن اقدام عاجلی بعمل آورم برای این منظور باطباء مخصوص چشم مراجعه کردم ولی بعد از مداوای زیاد نتیجه مثبت بدست نیامد و برای خواندن خطوط و دیدن افراد نیازمند بعینک بودم، تا اینکه سالی بعد از مراجعت از مکه از طرف کویت بکاظمین مشرف شدم، نزدیک اربعین که شب زیارتی قبر امام حسین ع است باید در چنین شبی در کف فیض کرد، مردم از اطراف بکر بلا میرفتند تا فیوضات آن شب و عنايات و الطاف الهی در حرم امام حسین ع بهره مند باشند منهم بهمین منظور عازم شدم که تا بتوانم بلکه شفای ضعف چشم خودم را در کنار آن مرقد مطهر از خدای متعال بخواهم و باتوسل بذیل عنایت آقا سید الشهداء ابا عبدالله الحسین ع خدا حاجتم را برآورد، عصر روز نوزدهم صفر بود به عزم کربلا کاظمین را ترک گفتم. وسیله ما باقطار راه آهن بود معلوم است که قطار برای پیاده و سوار کردن مسافرین ایستگاههای متعدد دارد، از آنجائیکه شب اربعین بود. جمعیت زیادی که از دهات مجاور می آمدند در ایستگاهها برای سوار شدن بقطار ایستاده بودند بهر حال جمعیت زیادی داخل قطار را پر کرده تا بحدیکه در داخل کوپه های مسافربری جانبود و مادر کوپه ای بودیم که محل بارچهار پایان بود و صندلی هم نداشت و مردم اکثرا سراپا ایستاده بودند در راهرو و کوپه ها هیچ جای اضافی نبود در عین حال باز در هر ایستگاه بر جمعیت و تراحم افزوده میشد خصوصا در یکی از ایستگاه ها بعضی از اعراب بدوی و کشیف باپای برهنه و گل آلود سوار شدند و بعضی ها را در داخل کوپه ای که ما بودیم جا کردند البته وضع لباس و اندام آنها نحوه ای بود که من واقعا متنفّر بودم و با خود میگفتم که اینها کی هستند و باپاهای گل آلود میخواهند بکجا بروند؟!

ص: ۲۵

با این وضع چه زیارتی؟ آیا اینها از زوار محسوبند؟! در این فکر بودم که ناگاه بفکرم رسید که لباس و صورت و تجملات ظاهری نشانه آدمیت نیست،

تن آدمی شریف است بجان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

از کجا که اینها زائر واقعی امام حسین ع نباشند چه بسا مردمی بزیارت می روند که صاحب تجملند ولی در اثر خبث باطنی زائر نیستند پس اینها راسبک نشمار شاید تقریشان نزد حق زیادتر باشد، و دمی از این اندیشه آرام گرفتم بعد بیاد این افتادم که من در سن بیست سالگی و گل جوانی بضعف چشم گرفتار شدم . خدایا می شود بر من توجهی کنی و در اثر توکل بامام حسین ع سلامت چشم را بمن باز دهی آیا توسل من امشب نتیجه دارد؟ آیا امام حسین ع به من عنایتی می فرماید؟ آیا خدا امشب حاجتم را بر می آورد اجابت دعا که در تحت قبه و بارگاه حضرت امام حسین ع از وعده های حق است ، ناگاه بخود گفتم بزیارت میروم که عرض حاجت کنم و چه مقام بزرگی و چه حاجت کوچکی مقام رفیع و بلند اباعبدالله جانباز زکوی حق کجا شفای ضعف چشم ، چه انتظار و خواسته کوچکی برای نیل به این حاجت می توانم بخواستم خدا از زوار حضرتش استفاده کنم در این حال باقلبی دور از شائبه باصفای باطنی و معنوی باتوجه بمقام زائرین آن حضرت چشمم بر خورد به پای یکی از مسافرین کربلا که پایش گل آلود بوده آهسته دست بردم و به مقدار عدسی از گل خشکیده پای او را برداشتم و در دست سرمه کردم و با دست چپ عینک از چشم برداشتم و بادست راست آن خاک را بچشم مالیدم ، مالیدن همان شد خوب شدن و رفع ضعف چشم هم همان دیگر نیازی به عینک پیدانکردم اللهم ارزقنا زیاره قبره و شفاعه جده آمین رب العالمین .

ص: ۲۶

منبع:

کرامات الحسینیه (ع) ج ۲

تشریف خدمت امام زمان (عج)

جناب آقای کافی به نقل از مقدس اردبیلی می فرمود: (با طلاب پیاده به کربلا می رفتیم . در بین راه یک آقای طلبه ای بود که گاهی برای ما روضه می خواند و امام حسین علیه السلام یک نمکی در حنجره اش گذاشته بود. آمدم کربلا. زیارت اربعین بود. از بس که دیدم زایر آمده و شلوغ است، گفتم: داخل حرم نروم و مزاحم زایران نشوم. طلبه ها را دور خود جمع کردم و گوشه صحن آماده خواندن زیارت شدیم، یک وقت گفتم: آن طلبه ای که در راه برای ما روضه می خواند کجاست؟ گفتند: نمی دانیم بین این جمعیت کجا رفت. ناگهان دیدم که یک مرد عربی مردم را کنار می زند و به طرف من می آید. صدا زد: ملا- محمد مقدس اردبیلی! می خواهی چه بکنی؟ گفتم: می خواهم زیارت اربعین بخوانم. فرمود: بلندتر بخوان تا من هم گوش کنم زیارت را بلندتر خواندم، یکی دو جا توجه ام را به نکاتی ادبی دادم . وقتی زیارت تمام شد، به طلبه ها گفتم: آن طلبه پیدا نشد؟ گفتند نمی دانیم کجا رفته است. یک وقت آن مرد عرب به من فرمود: مقدس اردبیلی! چه می خواهی؟ گفتم: یکی از طلبه ها در راه برای ما گاهی روضه می خواند، نمی دانم کجا رفته؟ خواستم بیاید و برای ما روضه بخواند. آن عرب به من فرمود: مقدس اردبیلی! می خواهی من برایت روضه بخوانم؟ گفتم: آری، آیا به روضه خواندن واردی؟ فرمود: آری. ناگاه آن شخص رویش را به طرف ضریح امام حسین علیه السلام کرد و از همان طرز نگاه کردن، ما را منقلب کرد، یک وقت صدا زد: ابا عبدالله! نه من و نه این مقدس اردبیلی و نه این طلبه ها هیچ کدام یادمان نمی رود، آن ساعتی را که می خواستی از خواهرت زینب سلام الله علیها جدا شوی! ناگاه دیدم کسی نیست، و فهمیدم آن عرب، مهدی زهرا (سلام الله علیها) بوده است .

ص: ۲۷

منبع:

۲۰۰ داستان از فضایل ، مصایب و کرامات حضرت زینب سلام الله علیها

نجات فرزند غرق شده در فرات

جناب حجه الاسلام آقای شیخ محمد انصاری رحمه الله علیه ساکن سر کوه داراب نقل فرمود: در سنه ۱۳۷۰ کربلا مشرف شدم و پسر مریض شد، و او را به قصد استشفاء همراه بردم .

روز اربعین شد با فرزندم در کنار و گوشه ای از شریعه فرات برای غسل زیارت در آب رفتیم و مشغول غسل کردن بودم که ناگهان دیدم آب فرزندم را برد و فاصله زیادی بین من و او قرار گرفت و تنها سر او را می دیدم و توانائی شنا کردن نداشتم و کسی هم نبود که بتواند شنا کند و او را نجات دهد پس با کمال حضور قلب و خلوص و شکستگی دل به پروردگار ملتجی شده و خدا را بحق حضرت سیدالشهداء علیه السلام قسم دادم و فرزندم را طلب کردم هنوز فرزندم را می دیدم ، که ناگاه دیدم رو بمن بر می گردد تا نزدیک من رسید دست او را گرفته از آب بیرون آوردم از حالش پرسیدم . گفت: کسی را ندیدم ولی مثل اینکه کسی بازوی مرا گرفته بود و مرا به شما رسانید پس به سجده رفتم و خدای را بر اجابت دعایم شکر نمودم.

منبع:

کرامات الحسینیه (ع) ج ۱

اهمیت عدد چهل در روایات

چهل بار شانه زدن محاسن

کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یسرح تحت لحيته أربعين مره و من فوقها سبع مرات و يقول: إنه يزيد في الذهن و يقطع البلغم. پیامبر صلی الله علیه و آله معمولاً- چهل بار ریش خود را از زیر و هفت بار از بالا- شانه می زدند و می فرمودند: این کار موجب افزایش ذهن و قطع بلغم می شود.

ص: ۲۸

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۳۰۸

پاداش چهل هزار شهید برای اذان گو

و قال رسول الله صلى الله عليه واله من أذن محتسبا يريد بذلك وجه الله عز وجل أعطاه الله ثواب أربعين ألف شهيد و أربعين ألف صديق و يدخل في شفاعته أربعين ألف مسيء من أمتي إلى الجنة ألا و إن المؤذن إذا قال أشهد أن لا إله إلا الله صلى الله عليه سبعون ألف ملك و استغفروا له و كان يوم القيامة في ظل العرش حتى يفرغ من حساب الخلائق و يكتب ثواب قوله أشهد أن محمدا رسول الله أربعون ألف ملك.

پیامبر صلی الله علیه والهفرموده اند: هر کس برای رضای خداوند متعال اذان بگوید خدایش پاداش چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق ارزانی می دارد و چهل هزار تن از گنہکاران امت مرا با شفاعت او به بهشت می برد، همانا چون مؤذن «اشهد ان لا اله الا الله» می گوید، هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند و برای او طلب آمرزش می کنند و او روز رستاخیز در سایه عرش است تا رسیدگی به حساب مردم تمام شود و پاداش «اشهد ان محمدا رسول الله» را چهل هزار فرشته برای او می نویسد. و روایت شده است هر کس اذان و اقامه برای نماز بگوید پشت سرش دو صف از فرشتگان به او اقتدا می کنند و هر کس فقط اقامه بگوید پشت سرش یک صف از فرشتگان نماز می گزارند.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۳۱۳

دعا برای چهل مومن

قال أبو عبد الله عليه السلام من قدم أربعين رجلا من إخوانه فدعا لهم ثم دعا لنفسه استجيب له فيهم و في نفسه.

ص: ۲۹

امام صادق علیه السلام فرموده است هر کس در دعا کردن چهل تن از برادران دینی خود را مقدم بر خویش بدارد و دعا کند و سپس برای خود دعا کند دعایش در مورد آنان و خودش برآورده می شود.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۳۲۶

چهل حسنه برای ذکر باتسبیح تربت

قال أبو الحسن موسى عليه السلام لا تستغني شيعتنا عن أربع خمره يصلی علیها و خاتم يتختم به و سواك يستاك به و سبحة من طين قبر أبي عبد الله الحسين عليه السلام فيها ثلاث و ثلاثون حبه متى قلبها ذاكر الله كتب الله له بكل حبه أربعين حسنه و إذا قلبها ساهيا يعبث بها كتب الله له عشرين حسنه.

امام کاظم علیه السلام فرموده است، شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند، حصیری که بر آن نماز بگذارند و انگشتری که در دست کنند و مسواکی که با آن مسواک کنند و تسبیح از تربت سید الشهداء علیه السلام که دارای سی و سه دانه باشد، هر گاه با آن ذکر بگویند خداوند برایشان در قبال هر دانه آن چهل حسنه می نویسد و هر گاه بدون اینکه ذکر بگویند، با آن تسبیح بازی کنند، خداوند برای آنان بیست حسنه مرقوم می دارد.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۲، ص: ۴۱۲

چهل روز گریه آسمان و زمین بر امام حسین (ع)

و حدثني علي بن الحسين بن موسى عن علي بن إبراهيم و سعد بن عبد الله جميعا عن إبراهيم بن هاشم عن علي بن فضال عن أبي جميله عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: ما بكت السماء على أحد بعد يحيى بن زكريا إلا على الحسين بن علي عليه السلام فإنها بكت عليه أربعين يوما.

ص: ۳۰

علی بن الحسین بن موسی، از علی بن ابراهیم و سعد بن عبد الله، جملگی از ابراهیم بن هاشم، از علی بن فضال، از ابی جمیل، از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند: بعد از حضرت یحیی بن زکریا علیهما السلام آسمان بر احدی نگریست مگر بر حضرت حسین بن علی علیهما السلام چه آنکه چهل روز آسمان بر آن حضرت گریه می کرد.

و حدثنی أبی رحمه الله عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن علی بن فضال عن ابن بکیر عن زرارہ عن عبد الخالق بن عبد ربہ قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول لم يجعل الله له من قبل سميا الحسين بن علی لم یکن له من قبل سميا و یحیی بن زکریا لم یکن له من قبل سميا و لم تبک السماء إلا- علیها أربعین صباحا قال قلت ما بکاؤها قال کانت تطلع حمراء و تغرب حمراء.

پدرم رحمه الله علیه، از سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسین بن علی بن فضال، از ابن بکیر، از زرارہ، از عبد الخالق بن عبد ربہ نقل کرده که وی گفت: شنیدم که حضرت ابو عبد الله علیه السلام در ذیل آیه شریفه: لم نجعل له من قبل سميا. می فرمودند: حسین بن علی علیه السلام پیش تر همنامی نداشتند و یحیی بن زکریا علیهما السلام نیز قبلا همنامی نداشتند. و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو که چهل صباح گریه کرد.

راوی می گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرض کردم: گریه آسمان چه بود؟ حضرت فرمودند: هنگام طلوع و غروب آسمان سرخ بود.

کامل الزیارات، النص، ص: ۹۰

پیامبر (ص) چهل بامداد به در خانه علی (ع) آمد

عن عطیه عن أبی سعید قال: جاء رسول الله صلى الله عليه واله وسلم أربعين صباحا إلى باب علی بعد ما دخل بفاطمه فقال: السلام علیکم أهل البيت و رحمه الله و برکاته، الصلاه رحمکم الله (إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البيت و یطهرکم تطهیرا) أنا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم.

عطیه از ابو سعید نقل می کند که گفت: پیامبر خدا پس از عروسی فاطمه با علی، چهل بامداد به در خانه علی می آمد و می گفت: سلام بر شما خاندان و رحمت و برکات خدا بر شما باد، وقت نماز است خدا شما را رحمت کند، «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البيت و یطهرکم تطهیرا» من دشمن کسی هستم که با شما دشمنی کند و دوست کسی هستم که با شما دوستی کند.

سیمای امام علی علیه السلام در قرآن / ترجمه شواهد التنزیل، ص: ۲۵۲

کسی که چهل حدیث از پیامبر (ص) حفظ کند

قال رسول الله صلى الله عليه و آله من حفظ عني من أمتی أربعين حدیثا من السنه كنت له شفيعا يوم القيامة.

و پیامبر صلی الله علیه و اله فرموده اند: هر کس از امت من چهل حدیث از سنت من حفظ کند، من روز رستاخیز شفیع او خواهم بود.

و قال رسول الله صلى الله عليه و آله من حفظ عني من أمتی أربعين حدیثا فی أمر دینه یرید به وجه الله و الدار الآخرة بعثه الله يوم القيامة فقیها عالما.

و همان حضرت فرموده اند: هر کس از امت من چهل حدیث از من در امر دین خود بیاموزد و قصد او رضای خداوند و برای قیامت باشد، خداوند روز رستاخیز او را فقیه و عالم مبعوث می فرماید.

ص: ۳۲

قال الصادق علیه السلام من حفظ عنا أربعين حديثاً من أحاديثنا في الحلال والحرام بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً ولم يعذب به.

امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس چهل حدیث از احادیث ما را در مورد حلال و حرام حفظ کند، خداوند او را در رستاخیز فقیه و عالم برمی انگیزد و او را عذاب نمی کند.

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج ۱، ص: ۸

چهل حدیث از امام حسین علیه السلام

۱. إِنَّ قَوْمًا عِبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَلَيْسَ لَكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عِبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَلَيْسَ لَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عِبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَلَيْسَ لَكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ، وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.

همانا عده ای خداوند متعال را به جهت طمع و آرزوی بهشت عبادت می کنند که آن یک معامله و تجارت خواهد بود و عده ای دیگر از روی ترس، خداوند را عبادت و ستایش می کنند که همانند عبادت و اطاعت نوکر از ارباب باشد؛ و طائفه ای هم به عنوان شکر و سپاس، از روی معرفت، خداوند متعال را عبادت و ستایش می نمایند؛ و این، عبادت آزادگان است که بهترین عبادات می باشد.

۲. إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أُعْطِيَ مَنْ لَا يَرْجُوهُ، وَإِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفِيَ عَنْ قُدْرَةِ، وَإِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ.

همانا سخاوتمندترین مردم آن کسی است که کمک نماید به کسی که امیدی به وی نداشته است. بخشنده ترین افراد آن شخصی است که (نسبت به ظلم دیگری با آن که توان انتقام دارد) گذشت نماید. صله رحم کننده ترین مردم و دید و بازدید کننده نسبت به خویشان، آن کسی است که صله رحم نماید با کسی که با او قطع رابطه کرده است.

ص: ۳۳

۳. النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَالدِّينُ لِعَبٍّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَهُ مَا دَارَتْ بِهِ مَعَائِشُهُمْ، فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّينَانُونَ.

افراد جامعه بنده و تابع دنیا هستند و مذهب، بازیچه زبانشان گردیده است و برای امرار معاش خود، دین را محور قرار داده اند و سنگ اسلام را به سینه می زنند. پس اگر بلائی (همانند خطر مقام و ریاست، جان، مال، فرزند و موقعیت، ...) انسان را تهدید کند، خواهی دید که دین داران واقعی کمیاب خواهند شد.

۴. اَعْمَلْ عَمَل رَجُل يَعْلَمُ أَنَّهُ مَأْخُوذٌ بِالْأَجْرَامِ، مُجْزَى بِالْأَحْسَانِ.

کارها و امور خود را همانند کسی تنظیم کن و انجام ده که می داند و مطمئن است که در صورت خلاف تحت تعقیب قرار می گیرد و مجازات خواهد شد. و در صورتی که کارهایش صحیح باشد پاداش خواهد گرفت.

۵. عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَشْتَغِلُوا بِالدُّنْيَا، فَإِنَّ الْقَبْرَ يَبْتَ الْعَمَلِ، فَاعْمَلُوا وَلَا تَعْمَلُوا.

ای بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنیا و تجملات آن قرار ندهید که همانا قبر، خانه ای است که تنها عمل صالح در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که غفلت نکنید.

۶. لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ.

سخنی که ناراحت کننده باشد پشت سر دوست و برادر خود مگو، مگر آن که دوست داشته باشی که همان سخن پشت سر خودت گفته شود.

۷. مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يُشْهِرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ.

هر کس لباس شهرت - و انگشت نما از هر جهت - بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش می پوشاند.

۸. اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ.

من کشته گریه ها و اشک ها هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که عبرت گرفته و اشک هایش جاری خواهد شد.

۹. لَوْ شَتَمَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ، وَأَوْمَى إِلَى الْيُمْنَى، وَاعْتَذَرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ، وَذَلِكَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: لَا يَرِدُ الْحَوْضَ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعَذَرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ.

چنانچه با گوش خود بشنوم که شخصی مرا دشنام می دهد و سپس معذرت خواهی او را بفهمم، از او می پذیرم و گذشت می نمایم، چون که پدرم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت نمود: کسی که پوزش و عذرخواهی دیگران را نپذیرد، بر حوض کوثر وارد نخواهد شد.

۱۰. مَنْ عَبْدَ اللَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ، آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَكَفَايَتِهِ.

هر کس خداوند متعال را با صداقت و خلوص، عبادت و پرستش نماید، خدای متعال او را به بهترین آرزوهایش می رساند و امور زندگیش را تأمین می نماید.

۱۱. يَا ابْنَ آدَمَ! اذْكُرْ مَضْرَعَكَ وَ مَضْجَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، تَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ.

ای فرزند آدم، بیاد آور لحظات مرگ و خواب گاه خود را در قبر، همچنین بیاد آور که در پیشگاه خداوند قرار خواهی گرفت و اعضاء و جوارحت بر علیه تو شهادت خواهند داد، در آن روزی که قدم ها لرزان و لغزان می باشد.

۱۲. مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدَّنَاءَةِ شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفِسْقِ رِيئَةٌ.

همنشینی با اشخاص پست و رذل سبب شرّ و بد یختی خواهد گشت، و همنشینی و مجالست با معصیت کاران موجب شکّ و بدبینی خواهد شد.

۱۳. لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ.

برای هر غم و دردی درمان و دوائی است و جبران و درمان گناه، طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند می باشد.

۱۴. مَنْ نَفَسَ كَرْبَهُ مُؤْمِنٌ، فَرَجَّ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

هر کس گره ای از مشکلات مؤمنی باز کند و مشکلش را برطرف نماید، خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می نماید.

۱۵. يَا ابْنَ آدَمَ! أَذْكَرُ مَصَارِعَ آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ، كَيْفَ كَانُوا، وَ حَيْثُ حَلُّوا، وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ.

ای فرزند آدم، بیاد آور آن لحظاتی را که پدران و فرزندان و دوستان تو چگونه در چنگال مرگ قرار گرفتند، آن ها در چه وضعیتی و موقعیتی بودند و سرانجام به کجا منتهی شدند و کجا رفتند. و بیندیش که تو نیز همانند آن ها به ایشان خواهی پیوست (پس مواظب اعمال و رفتار خود باش).

۱۶. يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ، كُلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ.

ای فرزند آدم، بدرستی که تو مجموعه ای از زمان ها و روزگار هستی، هر آنچه از آن بگذرد، زمانی از تو فانی و سپری گشته است (بنابراین لحظات عمرت را غنیمت شمار که جبران ناپذیر است).

۱۷. مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِمَجِيئِهِ مَا يَحْذَرُ.

هر کس از روی نافرمانی و معصیت خداوند، کاری را انجام دهد، آنچه را آرزو دارد سریع تر از دست می دهد و به آنچه هراسناک و بیمناک می باشد مبتلا می گردد.

۱۸. الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاتٌ مِنَ النَّارِ وَقَالَ: بُكَاءُ الْعُيُونِ، وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.

گریان بودن به جهت ترس از عذاب خداوند، سبب نجات از آتش دوزخ خواهد بود و فرمود: گریان بودن چشم و خشیت داشتن دل ها یکی از نشانه های رحمت الهی برای بنده است.

۱۹. لَا يَكْمِلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ.

بینش و عقل و درک انسان تکمیل نمی گردد مگر آن که اهل حق و صداقت باشد و از حقایق، تبعیت و پیروی کند.

۲۰. أَهْلَكَ النَّاسَ إِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلَبُ الْفَخْرِ.

دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است:

یکی ترس از این که مبادا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردند. و دیگری فخر کردن در مسائل مختلف و مباحات بر دیگران است.

۲۱. مَنْ عَرَفَ حَقَّ أَبُوَيْهِ الْأَفْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ، وَ أَطَاعَهُمَا، قِيلَ لَهُ: تَبَحَّخَ فِي أَى الْجَنَانِ شُتَّ.

هر شخصی که حق والدینش محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)، و علی (علیه السلام) را که با شرافت و با فضیلت ترین انسان ها هستند، بشناسد و در تمام امور زندگی از ایشان تبعیت و اطاعت کند و در قیامت به او خطاب می شود: هر قسمتی از بهشت را که خواستار باشی، می توانی انتخاب کنی و در آن وارد شوی.

۲۲. مِنْ عَلَامَاتِ الْجَهْلِ الْمُمَارَاةِ لِغَيْرِ أَهْلِ الْفِكْرِ.

یکی از نشانه های جهل و نادانی، نزاع و جدال با غیر اهل فکر است.

۲۳. إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ.

شیعیان و پیروان ما (اهل بیت عصمت و طهارتعلیهم السلام) آن کسانی هستند که افکار و درون آن ها از هر گونه حيله و نیرنگ و عوام فریبی سلامت و تهی باشد.

۲۴. لَا تَرْفَعْ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَى أَحَدٍ ثَلَاثَةٍ: إِلَى ذِي دِينٍ ، أَوْ مُرَّوَهٍ أَوْ حَسَبٍ

جز به یکی از سه نفر حاجت مبر: به دیندار ، یا صاحب مروت ، یا کسی که اصالت خانوادگی داشته باشد.

۲۵. مَنْ عَبْدَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَكَفَايَتِهِ

هر که خدا را ، آن گونه که سزاوار اوست ، بندگی کند ، خداوند بیش از آرزوها و کفایتش به او عطا کند.

۲۶. مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانُ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُوا وَ أَسْرَعَ لِمَا يَحْذَرُ

کسی که بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد ، دیرتر به آرزویش می رسد و زودتر به آنچه می ترسد گرفتار می شود.

۲۷. أَعْجَزَ النَّاسُ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ

عاجزترین مردم کسی است که نتواند دعا کند.

۲۸. لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا

هیچ کس در قیامت در امان نیست ! مگر کسی که در دنیا ترس از خدا در دل داشته باشد.

۲۹. إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلَمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غَلٍّ وَ دَغَلٍ

بدرستی که شیعیان ما قلبشان از هر ناخالصی و حيله و تزویر پاک است.

۳۰. مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَّهَ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ.

کسی که برای جلب رضایت و خوشنودی مردم ، موجب خشم و غضب خداوند میشود ، خداوند او را به مردم وا می گذارد.

۳۱. لَا تَقُولُوا بِالْسَّتِّكُمْ مَا يَنْقُصُ عَنْ قَدَرِكُمْ

چیزی را بر زبان نیاورید که از ارزش شما بکاهد.

۳۲. يَظْهَرُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَيَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ

خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد و آنگاه او از ستمگران انتقام می گیرد.

۳۳. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ

نیاز مردم به شما ، از نعمتهای خدا بر شما است، از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.

۳۴. عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَشْتَغَلُوا بِالدُّنْيَا، فَإِنَّ الْقَبْرَ يَبْتَئُ الْعَمَلُ، فَاعْمَلُوا وَلَا تَغْلُوا

ای بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنیا نکنید که همانا قبر، خانه ای است که تنها عمل (صالح) در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که غفلت نکنید.

۳۵. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أُرَاكَ ، وَأُسَعِدْنِي بِتَقْوَاكَ ، وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ

بار خدایا ! کاری کن که از تو چنان بترسم که گویی می بینمت و باتقوا و ترس از خودت خوشبختم گردان و با معصیت و نافرمانیت بدبختم مکن.

۳۶. فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَيَأْمَنُ الْعُقُوبَةَ مِنْ ذَنْبِهِ.

از کسانی نباشید که بر گناه بندگان بیم دارند و خود از عقوبت گناه خویش آسوده خاطرنند!

۳۷. إِنْ أَعْفَى النَّاسَ مِنْ عَفَا عِنْدَ قُدْرَتِهِ

بخشنده ترین مردم کسی است که در هنگام قدرت می بخشد.

۳۸. مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَشْنُ وَجَدَكَ؟ لَقَدْ حَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا.

چه دارد آن کس که تو را ندارد؟ و چه ندارد آن که تو را دارد؟ آن کس که به جای تو چیز دیگری را پسندد و به آن راضی شود، مسلماً زیان کرده است .

۳۹. وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْتَرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ حَيْدَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُسِيرُ بِسِيرِهِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

ص: ۳۹

به درستی که من بیهوده ، گردنکش ، ستمگر و ظالم حرکت نکردم ، بلکه برای اصلاح در امت جدم محمد (صلی الله علیه و آله) حرکت کردم و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم محمد (صلی الله علیه و آله) و پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) رفتار کنم.

۴۰. مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ أَغْرَاكَ.

کسی که تو را دوست دارد، از تو انتقاد می کند و کسی که با تو دشمنی دارد، از تو تعریف و تمجید می کند.

پی نوشت ها:

۱-تحف العقول: ص ۱۷۷، بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۱۷، ح ۵

۲-نهج الشَّهادة: ص ۳۹، بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۲۱، ح ۴

۳-مَحَبَّةُ الْبَيْضَاء: ج ۴، ص ۲۲۸، بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۱۶، ح ۲

۴-بحار الأنوار: ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۵ و ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۱۰

۵-نهج الشَّهادة: ص ۴۷

۶-نهج الشَّهادة: ص ۴۷

۷-بحار الأنوار: ج ۴۴، ص ۱۹۲، ضمن ح ۴، و ص ۳۸۱، ضمن ح ۲

۸-أَمْالِي شَيْخِ صَدُوق: ص ۱۱۸، بحار الأنوار: ج ۴۴، ص ۲۸۴، ح ۱۹

۹-إِحْقَاقُ الْحَقِّ: ج ۱۱، ص ۴۳۱

۱۰-تنبيه الخواطر: ص ۴۲۷، س ۱۴، بحار الأنوار: ج ۶۸، ص ۱۸۳، ح ۴۴

۱۱-نهج الشَّهادة: ص ۵۹

۱۲-نهج الشَّهادة: ص ۴۷، بحار الأنوار: ج ۷۸، ص ۱۲۲، ح ۵

۱۳-وسائل الشَّيعة: ج ۱۶، ص ۶۵، ح ۲۰۹۹۳، کافی: ج ۲، ص ۴۳۹، ح ۸

۱۴-مستدرک الوسائل: ج ۱۲، ص ۴۱۶، ح ۱۳، بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۲۱، ح ۴

۱۵- نهج الشَّهادة: ص ۶۰

۱۶- نهج الشَّهادة: ص ۳۴۶

۱۷- اصول کافی: ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۳، وسائل الشَّیعه: ج ۱۶، ص ۱۵۳، ح ۳

ص: ۴۰

- ۱۸- نهج الشَّهادة: ص ۳۷۰، مستدرک الوسائل: ج ۱۱، ص ۲۴۵، ح ۱۲۸۸۱
- ۱۹- نهج الشَّهادة: ص ۳۵۶، بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۱۱
- ۲۰- بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۵۴، ح ۹۶
- ۲۱- نهج الشَّهادة: ص ۲۹۳، تفسير الإمام العسكري: ص ۳۳۰، بحار: ج ۲۳، ص ۲۶۰، ح ۸
- ۲۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹
- ۲۳- تفسير الإمام العسكري: ص ۳۰۹، ح ۱۵۴، بحار الأنوار: ج ۶۵، ص ۱۵۶، ح ۱۱
- ۲۴- تحف العقول ، ص ۲۵۱
- ۲۵- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۸۳
- ۲۶- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰
- ۲۷- بحار الانوار ج/ ۹۳ / ص / ۲۹۴
- ۲۸- مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ، ص ۶۹
- ۲۹- فرهنگ سخنان امام حسين ص / ۴۷۶
- ۳۰- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶
- ۳۱- جلاء العيون، ج ۲ ص ۲۰۵
- ۳۲- إثبات الهداه ، ج ۷ ، ص ۱۳۸
- ۳۳- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵
- ۳۴- نهج الشَّهادة: ص ۴۷
- ۳۵- بحار الانوار ج: ۹۸ / ۲۱۸ / ۳
- ۳۶- تحف العقول ص ۲۳۹
- ۳۷- الدرہ الباهره ، ص ۲۴
- ۳۸- دعای عرفه ، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۲۸

۳۹- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۴۰- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۸